

بررسی و نقد ترجمه کتاب تاریخ ادبیات عربی

صابره سیاوشی*

چکیده

زبان عربی با قدمتی به درازای جاهلیت تا کنون همواره کانون توجه ادیبان و نویسندگان ملل مختلف بوده است. ریشه روابط، چالش‌ها، و مبادلات زبان و قوم عرب با زبان پارسی و قوم ایرانی آن‌چنان ژرف و عمیق است که نیازی به یادآوری تاریخ پیوند آن دو نیست. اهتمام و علاقه فراوان به تاریخ ادبیات زبان عربی در میان دانشجویان و پژوهش‌گران ایرانی به‌منزله یکی از مهارت‌های مهم در آشنایی با این زبان، ضرورت ترجمه و تألیف آثار پرمایه و اصیل در این زمینه را چند برابر می‌کند. از آن‌جا که کتاب *تاریخ ادبیات عربی* تألیف حنا الفاخوری و ترجمه عبدالمحمد آیتی از منابع دست اول امتحانی دوره‌های مختلف تحصیلات تکمیلی رشته زبان و ادبیات عربی به‌شمار می‌آید و به دلیل اهمیت و رواج گسترده این کتاب سعی بر آن شده تا ترجمه کتاب مذکور به روش توصیفی - تحلیلی مورد نقد و تعمق دقیق‌تری قرار گیرد. در پایان نتایج حاصله در قالب نکات مثبت و کاستی‌ها و نیز پیشنهادات و اصلاحات در اختیار علاقه‌مندان و محققان قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: تاریخ ادبیات عربی، ترجمه، نقد، حنا الفاخوری، عبدالمحمد آیتی.

۱. مقدمه

کتاب *تاریخ ادبیات عربی* تألیف حنا الفاخوری کتابی روش‌مند است که بر پایه تحلیل، مقارنه، و سنجش استوار است. نویسنده همان‌گونه که در مقدمه کتاب اشاره می‌کند «سعی بر آن داشته تا حد امکان موضوعات را به صورت عمیق مورد بررسی قرار داده و دست‌خوش کلی‌بافی و سطحی‌نگری نشود» (الفاخوری، ۱۳۷۸: ۱۶). شیوه این کتاب

* استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی saberehsiaavashi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۷/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۸/۱۲

آمیختن تاریخ با تحلیل و طبقه‌بندی مطالب به شیوه متداول و امروزی است. گرچه این کتاب گاهی از تدقیق و تفصیل و ارجاعات دقیق علمی، که اهل تحقیق را به کار آید، خالی است (ذکوتی قراگزلو، ۱۳۸۲: ۳۸۵)، اما از آن‌جا که نویسنده سعی داشته گامی بلندتر بردارد و آثار و مآثر ادبیات عربی را به شیوه‌ای نوین به خواننده بشناساند جای تقدیر و عنایت دارد. علت نگارش این مقاله از یک‌سو به خاطر اهمیت این کتاب به‌منزله یکی از منابع دست اول دانشگاهی است که سبب شده در سال ۱۳۶۳ کتاب برگزیده سال شود، و از سوی دیگر به جهت اهمیت نقد کتب دانشگاهی است که در چند سال اخیر مورد اهتمام جامعه دانشگاهی بوده است.

۱,۱ نقد کتاب

از جمله موضوعاتی که امروزه نشریات علمی فراوانی به آن می‌پردازند نقد کتاب است. معادل لاتین اصطلاح «نقد» (critique) و به معنای قضاوت کردن و تمییز و تشخیص دادن قطعی است. هرچند تاریخچه نقد در ایران پیشینه‌ای طولانی دارد و به اوایل قرن ششم هجری باز می‌گردد، اما مفهوم «نقد» یا «انتقاد کتاب» رهیافتی نوین در کشورمان به‌شمار می‌آید. به اعتقاد خرمشاهی «انتقاد کتاب، به صورت مقاله‌ای مفرد و مستقل در ارزیابی یک اثر، از اوایل قرن چهاردهم شمسی در مطبوعات فارسی ظاهر گردیده است» (۱۳۶۳: ۱۰). مجلات سخن، راهنمای کتاب، و نشریه مرکز نشر دانشگاهی برجسته‌ترین نمونه‌های این حوزه‌اند.

۲,۱ اهمیت نقد کتاب

نقد کتاب به معرفی جایگاه شایسته آثار و اصلاح کاستی‌ها و ارتقای اندیشه آفرینندگان آن‌ها می‌انجامد. فایده دیگر نقد جلوگیری از وارد آمدن آسیب به رشد علمی و فرهنگی کشور و پیش‌گیری از هرج و مرج و آشفتگی فکری و علمی جامعه دانشگاهی و طبقه فرهیخته اجتماع است. نقد شایسته و منصفانه آن است که در کنار نواقص و ناروایی‌ها، نقاط قوت اثر نیز بررسی شود و کتاب با تکیه بر مبانی عقلی - استدلالی از دو جنبه صورت و محتوا (نقد درون‌ساختاری و نقد برون‌ساختاری) با محوریت سازگاری با مبانی و انسجام درونی اثر مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

۳،۱ روش مقاله حاضر در نقد كتاب

نگارنده در ارزىابى اين اثر ابتدا با بررسى متن اصلى كتاب و مشورت با استادان فن از بالا بودن ارزش علمى كتاب اطمينان يافت؛ سپس به ارزىابى ميزان مهارت مترجم در زبان مبداء، زبان مقصد (زبان مادري)، و ميزان اطلاعات او از موضوع كتاب پرداخت. در پايان نقد ترجمه فارسى كتاب مذكور در قالب مقاله انتقادى حاضر به شرح زير صورت گرفته است: در مقدمه نقد كتاب به طور كلى، اهميت آن، و روش مقاله در نقد كتاب تاريخ ادبيات عربى ذكر شده است. در همين بخش در كنار معرفى آيتى و ترجمه او به پيشينه نقد اين ترجمه و كاستى هاى آن پرداخته شده است. امتيازات ترجمه كه شامل دو بخش: مهارت در معادل يابى واژگان و مهارت در آوردن ضبط دقيق اسامى بخش بعدى مقاله را تشكيل مى دهد. در پايان بحث برخى پيشنهادات و اصلاحات ارائه شده است. كاستى ها به دو دسته محتوايى و شكلى تقسيم شده اند. كاستى هاى محتوايى عبارت اند از: کاربرد واژگان مصنوع و متكلف، استفاده از واژگان تخصصى و دشوار، و لغزش هاى نگارشى. كاستى هاى شكلى نيز از اين قرار است: اعراب گذارى نكردن ابیات و برخى اعلام، ترجمه نشدن برخى ابیات، ترجمه ناقص بعضى ابیات، ارائه دو ترجمه متفاوت از يك بيت، و ذكر ترجمه فارسى بدون اصل عربى.

۴،۱ معرفى آيتى و ترجمه او

استاد عبدالمحمد آيتى در سال ۱۳۰۵ ش در بروجرد به دنيا آمد؛ داراى تحصيلات حوزوى و دانشگاهى است و ساليان زيادى است كه به فعاليت هاى علمى و فرهنگى اشتغال دارد (دسترنجى، ۱۳۸۵: ۱۳۷). وى عضو پيوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسى است. مهم ترين آثار او ترجمه قرآن و نهج البلاغه است؛ همچنين ترجمه آثار فاخرى چون: تاريخ ابن خلدون، تقويم البلدان ابوالفداء، معجم الادباء ياقوت حموى، رساله الغفران ابوالعلاء معرى، و تاريخ فلسفه در جهان اسلام را نيز در كارنامه دارد. نقطه عطف فعاليت هاى آيتى ترجمه او از قرآن است كه به نثر معيار امروزين فارسى با اندك بهره اى از كهن گرايى (آركائيسم) نگارش يافته است. اين ترجمه در سال ۱۳۶۷ ش به وسيله انتشارات سروش چاپ شده است (همان: ۲۳۲؛ برقى، ۱۳۷۶: ۱/ ۱۳۸) و در دوره دوم كتاب سال جمهورى اسلامى از سوى وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى عنوان كتاب برگزيده سال را به دست آورده است.

از آنجا که کم‌تر اثری است که خالی از ضعف باشد؛ نگارنده پس از بارها مطالعه و تدریس این کتاب در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد به برخی اشکالات برخورد که به امید تصحیح و بهبود کتاب، به بیان آن‌ها می‌پردازد. اگرچه باز هم اقرار می‌کند که ترجمه مذکور آن‌قدر ارزشمند و گرانسنگ است که تا کنون بارها به چاپ رسیده و به احتمال زیاد در آینده نیز چاپ خواهد شد. برای نقد کتاب به سه نسخه متفاوت از کتاب مراجعه شده است:

چاپ چهارم در سال ۱۳۷۸؛ چاپ پنجم در سال ۱۳۸۱، و آخرین نوبت نشر آن، که چاپ نهم است، در سال ۱۳۸۹ در ۸۳۹ صفحه به وسیله انتشارات توس چاپ شده است. بین این سه نسخه هیچ تفاوتی وجود ندارد و نه بار چاپ این کتاب و انتخاب آن به‌عنوان کتاب برگزیده سال نیز ویراستاران را بر آن نداشته که در پی رفع اشکالات و خطاهای محتوایی و شکلی کتاب برآیند.

۵.۱ پیشینه نقد ترجمه‌های آیتی

استاد عبدالمحمد آیتی قله رفیعی در عرصه ترجمه است که کم‌تر کسی می‌تواند در تنوع و کیفیت آثار و ترجمه‌ها به مقام ایشان دست یابد. از میان آثار آیتی ترجمه قرآن کریم بیش‌ترین اقبال و توجه مخاطبان و ناقدان را به همراه داشته است. محمدعلی کوشا در کتاب *نقد ترجمه‌های فارسی قرآن کریم*، حجت هادی در مقاله «تاریخچه نقد ترجمه‌های فارسی قرآن کریم»، و کاظم کریمی در مقاله «قرآن مجید ترجمه عبدالمحمد آیتی ترجمه یا تحریف؟» متن ترجمه آیتی از قرآن را مورد بررسی و نقد قرار داده‌اند. اما ترجمه ایشان از کتاب *تاریخ ادبیات عربی*، با وجود نه بار تجدیدچاپ، تا کنون مورد نقد قرار نگرفته و از این جهت پژوهش حاضر با هدف ارتقای سطح علمی و ارزش ادبی این اثر گرانسنگ گامی نو و تازه در این زمینه به‌شمار می‌آید.

۲. کاستی‌های ترجمه

ترجمه‌ای کامل است که نویسنده در آن از طریق گزینش و ترتیب مناسب کلمات و معادل‌یابی ماهرانه، لحنی مناسب متن اصلی به ترجمه ببخشد. ترجمه لفظ به لفظ و استفاده از واژگان مصنوع و متکلف هم به مفهوم متن اصلی و هم به زیبایی آن لطمه وارد می‌کند. آیتی در عین برخورداری از دانش وسیع در دو زبان عربی و فارسی و درک بالایی که از

محتوای متن اصلی کتاب و قصد نویسنده آن دارد گاه خواننده را در وادی واژگان متکلف و پرطمطراق و ترجمه لفظ به لفظ و نیز واژگان تخصصی، که فهم آن‌ها نیازمند استفاده از لغت‌نامه و کتاب‌های تخصصی مرجع است، رها می‌کند. کاستی‌هایی که در این ترجمه وجود دارد به دو دسته شکلی و محتوایی تقسیم می‌شود. کاربرد واژگان مصنوع و متکلف، استفاده از واژگان تخصصی و دشوار، و لغزش‌های نگارشی از کاستی‌های محتوایی و اعراب‌گذاری نکردن ابیات و برخی اعلام، ترجمه نشدن برخی ابیات، ترجمه ناقص برخی ابیات دیگر، ارائه دو ترجمه متفاوت از یک بیت، و آوردن ترجمه فارسی بدون ذکر اصل عربی بیت نیز از کاستی‌های لفظی این ترجمه به‌شمار می‌آیند.

۱,۲ کاستی‌های محتوایی

۱,۱,۲ کاربرد واژگان مصنوع و متکلف

دانش عظیم آیتی در قلمرو دو زبان، گاه باعث دورافتادن کلام از سهولت و روانی شده و گام در وادی تکلف و تصنع می‌نهد. از همین روی واژه‌ها سنگین و پرطمطراق می‌شود، به گونه‌ای که عربی‌زدگی در برخی اصطلاحات و واژه‌ها، که شاید خاص مترجمی همچون آیتی باشد، به‌خوبی خودنمایی می‌کند. مواردی چون: تعیشت (ص ۷۱، س ۱۶)؛ نوامیس عالیه (ص ۸۰، س ۱۳)؛ جبابره روزگار (ص ۹۰، س ۲۷)؛ تتبع معنی (ص ۱۷۵، س ۶)؛ حسن اتساق (ص ۱۷۵، س ۱۵)؛ حسن تتبع جمل (ص ۲۴۹، س ۱)؛ تعقید و اغراب (ص ۲۶۱، س ۳۱)؛ گویی تجاهر را از تستر بیش‌تر می‌پسندید (ص ۳۰۲، س ۱)؛ تحریض می‌کند (ص ۳۰۳، س ۸)؛ توغل (ص ۳۵۵، س ۱۲)؛ قصائد مصنوع و مطمئن (ص ۳۶۳، س ۴)؛ شعرای یمانی فرو می‌افتد و ماه منخسف می‌شود (ص ۴۴۸، س ۳۱۱)؛ و تبویب (ص ۵۴۹، س ۲۳).

۲,۱,۲ استفاده از واژگان تخصصی و دشوار

برخی اصطلاحات و واژگان نیازمند به تعلیق و تفصیل در پانوشت هستند چرا که ممکن است خواننده عادی معنی آن‌ها را نداند و به این ترتیب در ادراک همه مطلب دچار مشکل شود. به همین خاطر توضیح بیش‌تر و رفع برخی ابهامات در پانوشت و یا پی‌نوشت در ترجمه این کتاب ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. مواردی از قبیل: دانه‌های عنب الثعلب (ص ۱۲۱، س ۲)؛ سماک اعزل (ص ۱۳۵، س ۱۰)؛ ارجوزه (ص ۳۲۴، س ۱۴)، صریح

الغوانی (ص ۳۲۷، س ۵)، تطیر (ص ۳۹۶، س ۱۰)؛ تواردات (ص ۴۰۱، س ۲۸)؛ شیوة اپیکوری (ص ۴۰۷، س ۱۱)؛ صنعت وجدانی (ص ۵۰۰، س ۱۳)؛ اصل ماکیاولی (ص ۵۳۹، س ۱۹)؛ قطا (ص ۶۸۳، س ۱۴)؛ باب تغلیب (ص ۶۹۳، س ۳۵).

۲,۱,۳ لغزش‌های نگارشی

در روند ترجمه کتاب تاریخ ادبیات عربی گاهی شتاب‌زدگی در امر ترجمه برخی لغزش‌های نگارشی را، همان‌گونه که خود مترجم در مقدمه ذکر کرده، سبب شده است که شاید بهتر بود به گونه‌ای دیگر برگردان می‌شد. در جدول زیر به برخی از این موارد در کنار ذکر متن اصلی، مختصات ترجمه، و ترجمه پیشنهادی پرداخته شده است:

متن اصلی	مختصات ترجمه	ترجمه آیتی	ترجمه پیشنهادی
و یأتیک بالاخبار من لم تزود	ص ۷۶ س ۲۵	و آنچه را از کس نپرسیده‌ای برایت بیان خواهد کرد	و آن کس که از او چیزی نپرسیده‌ای خبرها را برای تو بیان خواهد کرد.
هامة	ص ۷۹ س ۱۷	هامه	سر
ظهر البحر	ص ۹۰ س ۲۵	آب دریا	پهنه دریا
دعاک الهوی و استجهلتک المنازل	ص ۹۷ س ۱۱	و گمراهت ساخت.	عشق تو را فراخواند و خانه‌های فرسوده معشوق تو را گمراه ساخت.
أبیت اللعن	ص ۱۰۴ س ۱۶	ای مرد بی گناه	جمله‌ای دعایی است به معانی نفرینت مباد و یا نفرین از تو دور باد.
و إن تک ذا عتبی فمئلک یعتب	ص ۱۰۴ س ۲۹	و اگر درخور خشنودی باشم تو باید از من خشنود شوی	و اگر شایسته سرزنش باشی همچون تویی باید سرزنش شود.
فیا لهفی علیه و لهف أمی	ص ۱۴۶ س ۲۴	و اندوه‌ها، مرا و مادرم را.	افسوس من و افسوس مادرم او را باد.
کأن اوب ذراعیها إذا عرقت و قد تلفع بالقور العساقیل	ص ۱۷۴ س ۱۲	گوی ساعدی او آن‌گاه که در سیر شتاب می‌ورزد و عرق برمی‌آورد، و کوه‌ها از شدت گرما در سراب پنهان شده‌اند، ساعدهای ...	گوی که حرکت دو بازوی آن شتر آن هنگام که عرق کند و از سختی گرمای نیم‌روزی سراب، کوه‌ها را در خود بپوشاند، همچون دو بازوی ...
و عصیت فیک	ص ۱۹۱ س ۱۵	و من در تو عاصی شدم	از آن‌چه درباره تو گفتند سر باز زدم.

طير مليح	ص ۲۰۳ س ۲۰	پرنده‌اى غمگين	پرنده‌اى زيبا و نمکين است.
أخاف من الحجاج سورة مخدر ضوارب بالأعناق منه خوادره	ص ۲۱۹ س ۱۷	از حجاج چنان مى ترسم که از سورت و شدت شيرى که در بيشه خفته است بايد ترسيد.	از حجاج مى ترسم همچون ترس شيرى که ديگر شيران قوى پنبجه از آن در هراسند.
ما كنت اول مشتاق أخوا طرب هاجت له غدوات البين احزانا	ص ۲۳۳ س ۲۰	من نخستين مشتاق غمديده‌اى نيستم که بامدادان جدايى، غم‌ها بر دلش نينگيخته باشد.	من نخستين مشتاق غمديده‌اى نيستم که بامدادان جدايى، غم‌ها را بر دلش برانگيخته باشد.
و معان لو فضلها القوافى	ص ۳۸۷ س ۳۰	و معانيه که اگر از فضيلت قوافى بگذريم ...	و معانيه‌اى که اگر قافيه‌ها ارزش آن را افزون سازد ...
صبر عمّا تحب	ص ۲۴۹ س ۹	صبر از آن چه که دوست مى دارى.	صبر بر آنچه دوست مى دارى.
يقضض عصلا فى اسرّتها الردى	ص ۳۸۶ س ۴	آن گرگ دندان‌هاى سخت و کج خود را به هم مى زد.	گرگ دندان‌هاى کج خود را که اندر نشان مرگ نهفته است بر هم مى سايد.
زعيم للقتا الخطى عزمى بسفك دم الحواضر و البوادرى	ص ۴۳۶ س ۹	اراده من نيزه خطى مرا در ريختن خون مردم شهرها و باديه‌ها كفيل است.	اراده من در ريختن خون مردم شهرها و بيابان‌ها طلايه‌دار نيزه‌هاى خطى است.
و الحرب أقدم من ساق على قدم	ص ۴۳۷ س ۱۳	و جنگ همچنان استوار چنان که ساق بر قدم قد برافرازد	و جنگ استوارتر است از استوارى ساق پا بر گام.
إذا توشدن لم يدخل فى أذن	ص ۴۳۷ س ۳۱	قافيه‌هاى که چون خوانده شوند در گوش‌ها جاى گيرند	قافيه‌هاى که چون خوانده شوند در گوش‌ها جاى نمى گيرند
فما المجد إلا السيف و الفتكة البكر	ص ۴۴۱ س ۲۷	مجد بزرگى چيزى جز کويدن خصم - کويدنى که کسى همانندش را نشينده است -، نخواهد بود.	مجد و بزرگى تنها در سايه شمشير و شبيخون زدن است.
ربّ عيش أخفضه الحمام	ص ۴۶۴ س ۱۵	چه بسا زندگى که مرگ از آن سبک‌تر است.	چه بسا زندگى که مرگ از آن آسان‌تر است.

پاکدامنی من بازدارنده من است و نه احتیاط و دوراندیشی و خویشتر داری تو نگهبان توست نه هیچ مراقب و نگهبانی.	پاکدامنی من غیر از پرهیزگاری، مانع من است و پارسایی تو غیر از نگهبان نگهبان تو.	ص ۴۹۳ س ۲۲	عفانی من دون التقیة زاجر و صونک من دون الرقیب رقیب.
مرا بیازمای تا مرا شمشیر اراده‌ای با لبه‌های تیز و بران و آتش‌زنه‌ای شعله‌ور بیابی.	مرا بیازمای تا ببینی که شمشیر عزمم بران است و اندیشه‌ام تابناک.	ص ۴۹۸ س ۱۱	فجرینی تجدنی سیف عزم یصمم غریه و زناد راء.
چشم آبی	چشمانی سبز	ص ۵۷۷ س ۱۰	مقله زرقاء
و الفاظ خوش‌گوار چون آهن‌ربا	مغناطیس	ص ۶۲۴ س ۲۷	و لذیذ الألفاظ مغناطیس

۲,۲ کاستی‌های شکلی

۱,۲,۲ اعراب‌گذاری نکردن ابیات و برخی اعلام

اگرچه مترجم محترم در مقدمه به این مطلب اشاره کرده و علت اصلی آن را برخی مشکلات فنی می‌داند، اما بهتر آن است که اکنون که سال‌هاست از نخستین دوره انتشار این کتاب می‌گذرد و احتمالاً محدودیت‌ها و مشکلات فنی در صنعت چاپ برطرف شده است، برای رفع این کاستی اقدام شود. ضبط درست یا نادرست اعلام و واژگان از موارد مبهم در این ترجمه است. بررسی این امر نشان می‌دهد که آیتی آثاری را که از زبان عربی به فارسی ترجمه می‌کند به‌خوبی می‌شناسد و با داشتن شناخت کامل این آثار به ترجمه آن‌ها اقدام کرده است.

۲,۲,۲ ترجمه نشدن برخی ابیات

در ترجمه مورد بحث برخی مصراع‌ها، عبارات، و گاه ابیات ترجمه نشده‌اند. از آن‌جا که این موارد مورد استشهاد نویسنده بوده و در واقع از آن‌ها برای تبیین و توضیح بیش‌تر مطالب استفاده شده است، بهتر بود مترجم محترم، در متن یا پانویس، به ترجمه آن‌ها نیز می‌پرداخت. از آن جمله است: ص ۵۸، س ۲۰، ۲۲، ۲۴؛ ص ۶۷، س ۲۱؛ ص ۶۹، س ۲۶؛ ص ۸۹، س ۲۳؛ ص ۹۹، س ۱۰ و ۱۵؛ ص ۱۰۳، س ۸۰۶ و ۸۱۰؛ ص ۱۰۵، س ۳۳؛ ص ۱۰۶، س ۳ و ۶؛ ص ۱۲۸، س ۲۷ و ۲۹؛ ص ۱۸۵، س ۲۰؛ ص ۲۱۰، س ۵؛ ص ۵۸۰، س ۵، ۶، و ۷؛ ص ۶۲۲، س ۳؛ ص ۶۹۶، س ۱۴.

۳,۲,۲ ترجمه ناقص بعضی ابیات

گاهی اوقات نیز تنها بخشی از یک بیت فاقد ترجمه است. از آنجا که این نارسایی اندک ممکن است باعث ایجاد ابهاماتی در ذهن خواننده شود، بهتر است برای ترجمه کامل این گونه ابیات اقدام شود. از جمله عبارت‌های:

ص ۳۹۹، س ۱۷ مصراع دوم «مصوغ یختال...»؛

ص ۴۸۰، س ۱۰ عبارت «والجوانح تلطم...»؛

ص ۶۰۲، س ۱ مصراع دوم «وإذا كنف الدنيا...»؛

ص ۶۹۷، س ۲۰ عبارت «و فی کیدی کلما»؛

ص ۲۱۱، س ۱۹ مصراع «لم ینهمم نشد عنهم و قد نشدوا»؛

ص ۲۱۲، س ۲۲ مصراع «و لو یكون لقوم غیرهم أشروا»؛

و ص ۴۳۶، س ۸ عبارت «مشرفة الهوادی» که به معنای «فراز پرتگاه‌هاست» ترجمه نشده‌اند.

۴,۲,۲ دو ترجمه متفاوت از یک بیت

گاهی نیز بیتی واحد دوبار و با دو ترجمه متفاوت به خواننده معرفی می‌شود. برای مثال ص ۷۸، س ۲۶ و ص ۸۱، س ۲۳ که بیت «فإن تبغنی...» دارای دو ترجمه گوناگون است. این اتفاق در بیت «فتعركکم...» ص ۱۱۵، س ۸ و ص ۱۲۱، س ۱۹ نیز تکرار شده است.

۵,۲,۲ ذکر ترجمه فارسی بدون اصل عربی

در موارد نادری نیز ترجمه فارسی بدون اصل عربی آن آورده شده است؛ در ص ۷۸، س ۳ نیز این اشکال وجود دارد.

۶,۲,۲ اشکالات حروف چینی

این کتاب اگرچه بارها به زینت طبع آراسته و تجدید چاپ شده است، اما همچنان در زمینه املا و نگارش دارای اشکالاتی است که برطرف کردن آنها بر ارزش این اثر گرانسنگ می‌افزاید. برخی از این موارد عبارت‌اند از:

مقافات ← مقامات (ص ۸، س ۱۱)؛ دخول حومل ← دخول و حومل (ص ۶۱،

س ۱۹)؛ بتقالها ← بتغالها (ص ۱۱۵، س ۷)؛ الاباطح ← الاباطح (ص ۱۳۶، س ۱۷)؛ ذراعاً

← ذراعاً (ص ۱۷۴، س ۹)؛ انس م ← انس (ص ۱۹۲، س ۱۹)؛ طابت ← صلابت

(ص ۲۱۲، س ۱۱)؛ سنادید ← سنادید (ص ۲۲۲، س ۱۳)؛ نیتگیخته ← برانگیخته (ص ۲۳۳، س ۲۱)؛ افکند ← افکنند (ص ۲۳۴، س ۸)؛ حکم امثال ← حکم و امثال (ص ۲۴۳، س ۱۴)؛ سبج ← سجع (ص ۲۴۳، س ۱۷)؛ مآلا ← میل (ص ۲۴۵، س ۱۰)؛ فیمکن ← فیکمن (ص ۲۸۸، س ۳)؛ شیر و خرگوش ← شیر و بچه شغال (ص ۳۴۰، س ۲۱)؛ شتر به شیر را ← شتر شیر را (ص ۳۴۴، س ۵)؛ شیر شتر به را ← شیر شتر را (ص ۳۴۴، س ۶)؛ بیع الشعر ← و بیع الشعر (ص ۴۳۶، س ۱۱)؛ غالب ← قالب (ص ۴۸۹، س ۱۰)؛ فجر بنی ← فجر بنی (ص ۴۹۸، س ۱۰)؛ طبیعیات ← طبیعیات (ص ۵۰۹، س ۲۰ و ۲۱)؛ اوجزوه‌ای ← ارجوزه‌ای (ص ۵۱۵، س ۲۷)؛ نونیه ← نونیه (ص ۵۲۳، س ۱۷)؛ رسطاليس ← رسطاطيس (ص ۵۲۷، س ۳)؛ القران ← القرون (ص ۵۶۲، س ۳)؛ به رعایت ← به عاریت (ص ۵۸۳، س ۲۱)؛ رکالت ← رکاکت (ص ۶۶۰، س ۲)؛ مخصرمین ← مخصرمین (ص ۶۶۱، س ۲)؛ کامل ← کامل (ص ۶۶۶، س ۳۳)؛ یاحتة البادیة ← باحثه البادیة (ص ۷۸۴، س ۱۰).

۳. امتیازات ترجمه کتاب

وظیفه خطیر یک متن رعایت امانت و انتقال روح کلام با اسلوبی متین و کلماتی گزیده و جذاب است. استعداد نویسندگی مترجم باید در حدود استعداد مؤلف اثر باشد. یک مترجم باید زبان‌شناس، شاعر، و منتقد باشد (صفارزاده، ۱۳۷۰: ۱۸). آیتی مترجمی کم‌نظیر و دانشمند است؛ استاد بلامنازع ادب عربی و پارسی است که توانایی او در هر دو زبان زمینه آفرینش ترجمه‌هایی گران‌سنگ را فراهم آورده است که کم‌تر می‌توان به نمونه‌هایی به زیبایی آن‌ها دست یافت. مهارت در معادل‌یابی واژگان و آوردن ضبط دقیق اسامی از امتیازات روش ترجمه آیتی است. تحقق این امر نشان می‌دهد که آیتی شاعران، نویسندگان، و ادیبان عرب‌زبان را به‌خوبی می‌شناسد و با داشتن شناخت کامل ایشان دست به ترجمه این اثر زده است.

۱،۳ مهارت در معادل‌یابی واژگان

هنر بزرگ آیتی مهارت در یافتن معادل‌های شیوا و ادیبانه و در عین حال دقیق است. او در عین ارائه متنی سلیس و روان هرگز از متن اصلی به دور نمی‌افتد و یا آن را تحریف

نمی‌کند و این خود یکی از عمده‌ترین مقیاس‌های سنجش ارزش یک ترجمه است. مواردی از این قبیل:

- در صفحه ۸۵، سطر ۷ تا ۱۴ که در اوج هنر و ظرافت کلام، تصویری زیبا و زنده از شکار یک روباه توسط عقابی تیزپرواز را به نمایش می‌گذارد؛

- در صفحه ۱۰۷، سطر ۳۰ تا ۳۳ که زیبایی جادویی کلام نابغه را آن‌چنان هنرمندانه منعکس می‌کند که خواننده متحیر و مبهوت برجای می‌ماند؛

- در صفحه ۱۰۸، سطر ۴ توصیف گیسوی یار را در اوج ایجاز و اختصار، آن‌گونه رسا و گویا برگردان می‌کند که هر خواننده ادیبی دوست دارد بارها و بارها این ترجمه را با خود بازگو کند: «گیسوانی سیاه نه صاف و نه مجعد، انبوه همانند شاخه‌های رز که بر روی داربست بر هم خفته باشند»؛

- در صفحه ۱۷۳، سطر ۲۵: «سعاد در بامداد ... آهوبره‌ای را می‌مانست که چشمان سرمه‌سایش را به زمین دوخته باشد و آهسته از بینی صدا کند»؛

- و نیز در ص ۲۴۹، س ۲۳؛ ص ۳۰۱، س ۱۴؛ ص ۳۰۲، س ۲۹؛ ص ۴۴۲، س ۷؛ و ص ۵۷۸، س ۵ نمونه‌هایی از این دست مشاهده می‌شود.

۲,۳ آوردن ضبط دقیق اسامی

یکی دیگر از نقاط قوت آیتی در همان صفحات ابتدای کتاب رخ می‌نماید. همان‌جا که دانشجوی تازه‌پای نوآموز با خیل عظیمی از اسامی و نام‌های ناآشنا مواجه شده و خود را از یافتن تلفظ صحیح و دقیق واژگان ناتوان می‌یابد. همین جاست که دوراندیشی و فراست آیتی به یاری دانشجو می‌آید و خواننده ضبط دقیق اسامی را در انتهای هر صفحه به وضوح و روشنی می‌یابد.

۴. پیشنهادات و اصلاحات

۱. اشتباهات حروف‌چینی تصحیح شود.
۲. توضیحات و تعلیقاتی در مواقع نیاز اضافه شود.
۳. سال‌های ذکر شده در ترجمه، که غالباً میلادی است، به تاریخ هجری برگردانده شود.
۴. ابیات، مصراع‌ها، و یا بخش‌هایی از اشعار شاعران که به‌عنوان شاهد ذکر شده و، به عمد یا سهو، فاقد ترجمه هستند در متن یا پانویس ترجمه شود.

۵. برای حفظ انسجام درون‌ساختاری متن برخی کلمات و اصطلاحاتی که در ترجمه فارسی هم رنگ و بوی عربی دارد و برای خواننده فارسی‌زبان مأنوس نیست، به گونه‌ای فارسی‌تر و رساتر تغییر داده شود.
۶. ابیات و اعلام عربی اعراب‌گذاری شود.
۷. اصطلاحات و واژگانی که نیازمند تعلیق و تفصیل در پانویس و یا پی‌نوشت‌اند توضیح و تبیین شوند.
۸. در ابیاتی که دو بار و هر مرتبه به گونه‌ای متفاوت ترجمه شده‌اند به یک ترجمه محدود شده و به ذکر ترجمه صحیح‌تر اکتفا شود.

منابع

- برقی، سیدمحمد باقر (۱۳۷۳). *سخنوران نامی معاصر ایران*، قم: خرم.
- خرم‌شاهی، بهاء‌الدین (۱۳۶۳). «آیین نقد کتاب»، نشر دانش، س ۴، ش ۲۱.
- دسترنجی، حکیمه (۱۳۸۵). *زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی استاد عبدالمحمد آیتی*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ذکاوتی قراگزلو، علیرضا (۱۳۸۲). *نکته‌چینی‌ها از ادب عربی*، تهران: طرح نو.
- صفارزاده، طاهره (۱۳۷۰). *اصول و مبانی ترجمه*، تهران: همراه.
- الفاخوری، حنا (۱۳۷۸). *تاریخ ادبیات عربی*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: توس.

منابع دیگر

- دسترنجی، حکیمه (۱۳۸۵). *سغیر سخن، مجموعه مقالات استاد عبدالمحمد آیتی*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- الفاخوری، حنا (۱۳۸۱). *تاریخ ادبیات عربی*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: توس.
- الفاخوری، حنا (۱۳۸۹). *تاریخ ادبیات عربی*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: توس.
- الفاخوری، حنا (۲۰۰۵). *تاریخ الادب العربی*، بیروت: دارالجیل.